

بررسی اثر راهبردهای ترویجی و عوامل روانشناختی - اقتصادی بر مشارکت اقتصادی زنان روستایی؛ مطالعه موردی  
شهرستان همدان

هما سروش‌مهر<sup>۱</sup>، حامد رفیعی<sup>۲</sup>

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران [soroshmehr@gmail.com](mailto:soroshmehr@gmail.com)  
۲. دانشجوی دوره‌ی دکتری، دانشکده اقتصاد و توسعه، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تهران

## چکیده

در تمامی جوامع، زنان روستایی به عنوان یک عامل مهم در نیل به اهداف توسعه روستایی مطرح بوده و در واقع نیمی از نیروی انسانی مورد نیاز توسعه روستایی می‌باشند. در این مطالعه به منظور بررسی اثر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت اقتصادی زنان روستایی، از الگوی کیفی لوجیت استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز در شهرستان همدان برای سال ۱۳۸۸ به روش پیمایشی با استفاده از روش کوکران تعداد ۲۵۶ نفر به روش انتساب متناسب طبقه‌ای انتخاب گردید. همچنین برای این منظور، اثر متغیرهایی چون اختلاف سنی با همسر، میزان تحصیلات، میزان اعتماد به نفس، خوداثربخشی، احساس قدرت، نگرش جنسیتی، برنامه‌های ترویجی، میزان درآمد و پس انداز بر میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی تعیین شده است. در نهایت میزان خالص اثر، میزان کشتش و اثر نهایی در هریک از متغیرها برآورد گردید. به عبارت دیگر به کمک آماره‌ی برآوردی کشتش، مشخص شد که با افزایش یک درصدی در میزان هر یک از متغیرهای مورد بررسی، میزان احتمال مشارکت زنان روستایی چند درصد تغییر خواهد کرد. همچنین با توجه آماره‌ی برآوردی اثر نهایی، مشخص گردید که با تغییر یک واحدی در هر یک از متغیرها، احتمال مشارکت چه میزان تغییر خواهد کرد. در نهایت راهبردهای ترویجی متناسب با نتایج مطالعه جهت بهبود وضعیت مشارکت زنان روستایی ارائه گردید

کلمات کلیدی: راهبردهای ترویجی، عوامل روانشناختی - اقتصادی، مشارکت اقتصادی، زنان روستایی، همدان.

از هنگام مطرح شدن بحث توسعه‌ی کشورها بعد از جنگ جهانی دوم (تودارو، ۱۳۸۲)، همواره این فرایند، مهم‌ترین بحث کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه می‌باشد (Chambers, 2005). تحقق توسعه کشورها نیز مستلزم بهره‌گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آن‌ها در مراحل مختلف توسعه جوامع است (Roling and DeJong, 1998; Roling and Jiggins, 1998; Bell et al., 2004; Lockie, 2006; Oakley, 1991)، به طوری‌که توسعه و مشارکت اموری در هم تنیده شمرده شده و فرایند توسعه هنگامی با موفقیت همراه می‌شود که با افزایش مشارکت مردم، به خصوص مردم محلی، همراه باشد (مقنی‌زاده، ۱۳۸۰). بر اساس آمارهای سازمان ملل ایران نظر مشارکت نیروی کار در اقتصاد کشور، رتبه ۱۲۸ را در میان ۱۳۴ کشور کسب نموده است: ۳۳٪ درصد زنان ایرانی در بخش اقتصاد کشور مشارکت دارند که در مقابل ۷۷٪ مشارکت مردان قرار دارد، از این میان ۳۴٪ زنان در بخش کشاورزی فعالیت دارند که این رقم در برابر ۲۳٪ مردان قرار دارد (Economic World Forum, 2009). زنان روستایی به عنوان نیمی از جامعه انسانی علاوه بر داشتن مسئولیت اقتصادی، ایفاگر نقش‌های متعدد اجتماعی-فرهنگی در جوامع روستایی می‌باشند (شهبازی، ۱۳۸۱). اما استیلای وضعیت توسعه نیافتگی در فضای روستایی باعث شده است که آن‌ها علی‌رغم گستردگی مشارکت خود در فعالیت‌های روزانه اقتصادی-اجتماعی (غفاری، ۱۳۸۲؛ علی‌بیگی و همکاران، ۱۳۸۶؛ حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۵) همواره به عنوانی اقلی آسیب پذیر در برنامه‌های توسعه روستایی به حساب بیایند (هاشمی، ۱۳۸۰). این در حالی است که ارتقای موقعیت زنان روستایی که از دیرباز و بطور سنتی در فعالیت‌های اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند (علی‌محمدی، ۱۳۸۶) از ضرورت بیشتری برخوردار بوده و از شرایط لازم برای دستیابی کشورها به توسعه پایدار محسوب می‌شود (FAO, 2007؛ خواجه-نوری، ۱۳۷۶). جهت شناسایی چگونگی مشارکت زنان در توسعه و عوامل موثر بر آن از دهه ۱۹۷۰، اصطلاح زن در توسعه (Women In Development)، و در دهه ۱۹۸۰ جنسیت و توسعه (Gender And Development) به کار گرفته شد (Ellis & Biggs, 2001) و در پی آن در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن موانع آن اتخاذ نمودند. اما هنوز در ذهن بسیاری از طراحان سیاست‌های توسعه کشاورزی این فرض اشتباه وجود دارد که کشاورزان و کارگران روستایی مرد هستند (World Bank, 2007). از همین رو امروزه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی هنگام بحث مشارکت زنان روستایی بر اهمیت عوامل روانشناختی (علاوه

بر عوامل اقتصادی) جهت فراهم کردن محیطی برای رشد مشارکت زنان در روستاها تاکید دارند (Worldbank, 2005, 2003; Economic Commission for Africa, 2005). ترویج کشاورزی از جمله نهادهای اساسی در جوامع روستایی به شمار می‌آید که با بکارگیری فنون و رهیافت‌های بدیل خود قادر است توان روانشناختی و اقتصادی زنان روستایی را افزایش داده و مشارکت زنان را در توسعه جوامع روستایی تسهیل نماید (Jones and Garforth, 1997; Liepins and Schick, 1998; Trauger and et al, 2008). بنابراین توجه به وضعیت زنان روستایی، تلاش برای شناسایی و ارزش-گذاری فعالیت‌های آنان و رفع مسایل و موانع بر سر راه گسترش مشارکت زنان روستایی از جمله الزامات در مسیر توسعه روستایی می‌باشد (UNFPA, 2005). پر واضح است منطق توجیه کننده این تلاش، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیت‌های بالقوه منابع انسانی جهت امر توسعه می‌باشد. مطالعه حاضر درصدد است با بررسی وضعیت روانشناختی و اقتصادی زنان روستایی، و تاثیر برنامه‌های ترویجی بر مشارکت اقتصادی زنان روستایی به ارائه راهکارهای مناسب جهت بهبود مشارکت اقتصادی زنان جمعیت مورد مطالعه بپردازد.

#### مروری بر ادبیات موضوع

در روزگاران نخستین در سراسر مشرق زمین حوزه فعالیت زنان محدود به خانه و خانواده نبوده و آن‌ها همچون مردان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه مشارکت فعالی داشته‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۲). بر اساس گزارش بانک جهانی پنجاه درصد نیروی کار کشاورزی جهان در اختیار زنان قرار دارد آنان مسئول آماده کردن غذا برای دو سوم جمعیت جهان هستند (WorldBank, 2007)، اما به دلایل فرهنگی و حقوقی، دسترسی و کنترل بسیار محدودی به منابع داشته و تنها ۵ درصد زنان روستایی از خدمات ترویجی استفاده می‌کنند (Rivera and Corning 1990; Lipiens and Schick, 1998; FAO, 2006). فعالیت‌های اقتصادی زنان یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصاد است (زراء نژاد و منتظر حجت، ۱۳۸۴)، اما در کشور ما به مشارکت اقتصادی زنان روستایی و شناسایی عوامل موثر بر آن، به صورت شایسته پرداخته نشده است (لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۴؛ عمادی، ۱۳۸۰). در این بخش به برخی از مهمترین نتایج و بررسی‌های انجام شده درباره مشارکت اقتصادی زنان روستایی پرداخته می‌شود. برخی از مطالعات به محاسبه میزان فعالیت‌های اقتصادی صورت گرفته توسط زنان روستایی پرداخته‌اند از آن جمله که بیش از ۹۶ درصد زنان

روستایی شهرستان رامسر، حداقل دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده می‌باشند(رسول-پور عربی، ۱۳۷۶). این مقدار برای زنان روستای آهندان از ۵۶ تا ۷۶ درصد در مزارع چای و برنج متغیر است(سرمدی و همکاران، ۱۳۷۳). زنان عشایر در ۷۲ زیست بوم عشایری استان همدان با سهمی معادل ۸۵ درصد در فعالیت‌های اقتصادی عشایر مشارکت دارند، که میزان آن بیشتر از مقدار مشابه آن نزد مردان است(محمدی، ۱۳۸۲). تحلیل داده‌های نتایج آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۸۰ نشان داد که میزان مشارکت زنان روستایی در تولید برنج ۶۵ درصد، پنبه بیش از ۶۰ درصد، سبزی و صیفی ۸۰ درصد و در دامداری ۴۹/۸ درصد می‌باشد(حیدری، ۱۳۸۲). با این وجود زنان روستایی با وجود فرهنگ پدرسالاری و نابرابری‌های جنسیتی دارای هویت و پایگاه مستقلی نبوده و از امنیت اجتماعی برخوردار نیستند(همان). برخی از مطالعات انجام شده درباره رابطه بین میزان مشارکت اقتصادی زنان و سن زنان حاکی از آن است که نسل جوان روستایی به تدریج از کار کشاورزی رویگردان شده و تمایلی به انجام اینگونه کارها از خود نشان نمی‌دهد(دادورخانی، ۱۳۷۵؛ لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴؛ فرضی‌زاده‌میاندهی، ۱۳۸۷؛ شهریاری، ۱۳۸۷). در مباحث مشارکت اقتصادی زنان روستایی عمده مطالب بیشتر به بحث نظری در این خصوص پرداخته‌اند(مانند مطالعه شادی-طلب، ۱۳۸۱؛ عفتی، بامداد) و یا از دیدگاهی اقتصادی به مساله توجه نموده‌اند(هایان و سحرخیز، ۱۳۸۵؛ ترکمانی و میرزایی به نقل از لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). بنابر این داشتن دیدگاهی روانشناختی به مساله مشارکت اقتصادی زنان در فعالیت‌های روستایی همراه با عوامل اقتصادی، از ضروریات پژوهش‌ها پیرامون مسائل توسعه روستایی کشور محسوب می‌شود که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

#### روش شناسی تحقیق

مشارکت زنان در اقتصاد، پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد بسیار فراوانی از متغیرهای گوناگون وابسته است(شادی‌طلب و کمالی، ۱۳۸۵). این متغیرها به طور عمده در دو گروه متغیرهای درونی(روانشناختی) و متغیرهای بیرونی(عوامل اجتماعی-اقتصادی) تقسیم بندی می‌شوند(همان). از جمله متغیرهای بیرونی موثر بر مشارکت اقتصادی زنان روستایی، عوامل اقتصادی(لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴) است. ویژگی‌های خانوادگی(هادیان و سحرخیز، ۱۳۸۵) شامل مواردی چون تعداد اعضای خانواده و میزان اختیار زنان در خانواده می‌باشد. متغیرهای درونی تاثیر گذار بر مشارکت اقتصادی زنان شامل ویژگی‌های فردی زنان و همسران آن‌ها(امینی و احمدی، ۱۳۸۶؛ پاسبان، ۱۳۸۵)،

باورهای فرهنگی مرتبط با جنسیت (صفری شالی، ۱۳۸۷) و وضعیت روانشناختی زنان مانند میزان اعتماد به نفس، میزان خود اثر بخشی و احساس قدرت (WorldBank, 2005) می باشد. در این مطالعه اثر متغیرهای سن و اختلاف سنی با همسر، میزان تحصیلات، میزان اعتماد به نفس، خود اثر بخشی، احساس قدرت، نگرش جنسیتی، برنامه های ترویجی، میزان درآمد، تعداد افراد خانواده (بعد خانوار) و پس انداز بر میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی تعیین شده است. برای این منظور از الگوهای کیفی لجیت استفاده شده است. الگوی لجیت از تابع توزیع تجمعی لجستیک همانند رابطه (۱) تبعیت می کند (Judge and et al, 1988):

$$F(I_i) = F(X_i'\beta) = \int_{-\infty}^{I_i} \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \exp(-i^2/2) di \quad (1)$$

که در آن  $F(I_i)$ ، تابع چگالی نرمال تجمعی فرد  $i$  ام است و  $I_i$ ، نیز تابعی خطی از متغیرهای توضیحی مدل است.  $X_i$ ، ماتریس متغیرهای توضیحی و  $X_i'$ ، ترانزاده آن می باشد.  $\beta$ ، نیز ماتریس پارامترهای برآوردی است. مدل لجیت می تواند به صورت رابطه (۲) نیز بیان شود (Judge and et al, 1988):

$$P_i = \Pr(Y_i = 1) = F(X_i'\beta) = \frac{1}{1 + \exp(-X_i'\beta)} \quad (2)$$

که در آن  $P_i$ ، احتمال یک بودن متغیر وابسته بوده و به معنی بهبود مشارکت اقتصادی زنان نسبت به میانگین های موجود در روستا است. پارامترهای مدل لجیت با استفاده از روش حداکثر راستنمایی برآورد می شوند. بطوریکه، اگر یک نمونه با  $T$  مشاهده موجود باشد، تابع راستنمایی بصورت رابطه (۳) تعریف می شود (Maddala, 1991):

$$L = \prod_{i=1}^T F(Y_i) = \prod_{i=1}^T P_i^{Y_i} (1 - P_i)^{(1-Y_i)} \quad (3)$$

$$L = \prod_{i=1}^T F(X_i'\beta)^{Y_i} [1 - F(X_i'\beta)]^{(1-Y_i)}$$

که همانگونه که پیش از این اشاره شد، در صورتی که مشارکت اقتصادی زنان بالاتر از میانگین های موجود در روستا باشد،  $Y_i = 1$  (که بیانگر بهبود مشارکت اقتصادی زنان می باشد) بوده و در غیر این صورت،  $Y_i = 0$  خواهد بود. لگاریتم تابع راستنمایی بصورت رابطه (۴) می باشد (Maddala, 1991):

$$\ln L = \sum_{i=1}^T \{Y_i \ln[F(X_i'\beta)] + (1-Y_i) \ln[1-F(X_i'\beta)]\} \quad (4)$$

در نهایت با توجه به روابط ۱ تا ۴، الگوی لجیت بصورت رابطه (۵) برآورد می‌شود (Judge and al, 1988):

$$L_i = \ln\left(\frac{P_i}{1-P_i}\right) = X_i'\beta \quad (5)$$

که در آن  $L_i$ ، بیانگر لگاریتم نسبت احتمالات است. در برآورد مدل لجیت، پیش‌بینی اثرات تغییر در متغیرهای توضیحی بر احتمال بهبود مشارکت اقتصادی فرد  $i$ ام از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. مقدار اثر نهایی (ME)، بیانگر مقدار تغییر در احتمال بهبود مشارکت اقتصادی به ازای تغییر در یک واحد از هر متغیر توضیحی است و از رابطه (۶) نتیجه می‌شود:

$$ME = \frac{\partial P_i}{\partial X_{ki}} = F(X_i'\beta_k) \beta_k = \frac{\exp(-X_i'\beta)}{[1 + \exp(-X_i'\beta)]^2} \beta_k \quad (6)$$

که در آن  $\beta_k$ ، پارامتر برآورد شده  $k$ امین متغیر توضیحی است. مقدار کشش متغیر  $k$  برای فرد  $i$ ام ( $E$ )، نیز بیان‌کننده درصد تغییر در احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان، به ازای تغییر در یک درصد تغییر در هر یک از متغیرهای توضیحی است. در این مطالعه این کشش در میانگین محاسبه شده است که به صورت رابطه (۷) محاسبه می‌شود:

$$E_{ki} = \left(\frac{\partial p_i}{\partial X_{ki}}\right) \frac{X_{ki}}{F(X_i'\beta)} \quad (7)$$

این پژوهش از نظر ماهیت، کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها، از نوع غیر آزمایشی، و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش را زنان ساکن روستاهای شهرستان همدان (۱۵ تا ۷۰ سال)؛ شامل ۴۵۳۳۴ نفر (مرکز آمار، ۱۳۸۸) تشکیل داده‌اند. محاسبه‌ی حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ( $n=256$ ) و با روش نمونه‌گیری انتساب متناسب طبقه‌ای صورت گرفت. در این مرحله از مجموع ۹ دهستان، ۱۳ روستا به‌طور تصادفی انتخاب گردید. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه برای سال ۱۳۸۸ بوده که پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ( $\alpha > 0.82$ ) و روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات متخصصان رشته‌های ترویج کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه تهران، زنان در چند روستا و کارشناسان جهاد کشاورزی تایید شد. پرسش‌نامه بوسیله محققان و به صورت مصاحبه، تکمیل و جمع‌آوری شد و در نهایت، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و SHAZAM مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت.

## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان روستایی جامعه مورد نظر در محدوده سنی ۱۵ تا ۷۰ سال قرار دارند. میانگین سنی زنان ۳۷ سال بوده و بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال جای دارند. بررسی تعداد اعضای خانواده‌ها مشخص نمود ۶۶/۸ درصد از خانواده‌های پاسخ‌گویان تا ۵ نفر و کمتر از آن می‌باشند. بررسی وضعیت تأهل زنان نشان داد که ۶/۶ درصد (۱۷ نفر) از افراد سرپرست خانوار و نزدیک به ۹۲ درصد افراد (۲۳۵ نفر) در تحقیق، متأهل‌اند.

جدول شماره (۱): مشخصات فردی زنان

مشخصات فردی	فراوانی	درصد
گروه سنی		
۲۰ سال و کمتر	۹۴	۳۶/۷
۲۱ - ۳۰	۱۲۱	۴۷/۳
۳۱ - ۴۰	۳۰	۱۱/۷
۴۱ سال و بالاتر	۱۱	۴/۳
وضعیت تأهل		
مطلقه	۴	۱/۶
متأهل	۲۳۵	۹۱/۸
سرپرست خانوار	۱۷	۶/۶
تعداد اعضای خانواده		
۰-۳	۶۶	۲۵/۸
۴-۶	۱۴۷	۵۷/۴
۷-۹	۳۴	۱۳/۳
بالای ۱۰ نفر	۹	۳/۵

مأخذ: یافته‌های مطالعه

نتایج تحقیق حاکی از آن است که از میان ۲۵۶ نفر زنان روستایی مورد مطالعه ۷۲ نفر بی‌سوادند (۲۸/۱ درصد)، ۲۷ نفر (۳۸/۷ درصد) تحت آموزش نهضت سوادآموزی قرار گرفته (توانایی خواندن و نوشتن)، ۸۷ نفر (۳۴ درصد) نیز در مقطع ابتدایی متوقف شده‌اند. ۴۱ نفر (۱۶ درصد) راهنمایی، ۱۹ نفر (۷/۴ درصد) متوسطه، ۱۰ نفر (۳/۹ درصد) دارای مدرک دیپلم هستند. بنابراین اطلاعات، می‌توان اظهار داشت ۷۲/۷ درصد از زنان، تحصیلات قابل توجهی نداشته و در وضعیت بی‌سوادی و کم سوادی به سر می‌برند. به منظور بررسی عمیق‌تر وضعیت خانواده‌ها میزان تحصیلات همسران نیز مورد بررسی قرار گرفت که در جدول زیر به منظور تسهیل در تطابق در یک جدول بیان گردیده است.

جدول شماره (۲): سطح تحصیلات زنان و همسران

سطح	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	درصد	درصد
-----	---------	------	---------	------	------	------



تخصصیات	(زنان)	(مردان)	(زنان)	(مردان)	تجمعی (زنان)	تجمعی (مردان)
بی سواد	۷۲	۶۰	۲۸/۱	۲۳/۴	۲۳/۴	۲۳/۴
خواندن و نوشتن	۲۷	۲۱	۱۰/۵	۸/۲	۳۸/۷	۳۱/۶
ابتدایی	۸۷	۸۱	۳۴/۰	۳۱/۶	۷۲/۷	۶۳/۳
راهنمایی	۴۱	۴۱	۱۶/۰	۱۶/۰	۸۸/۷	۷۹/۳
متوسطه	۱۹	۲۵	۷/۴	۹/۸	۹۶/۱	۸۹/۱
دیپلم و بالاتر	۱۰	۱۱	۳/۹	۳/۴	۱۰۰/۰	۹۳/۴
بی پاسخ		۱۷		۶/۶		۱۰۰/۰
جمع کل	۲۵۶		۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

مأخذ: یافته‌های مطالعه

جدول شماره (۳) تفاوت سنی بین همسران را در جامعه مورد بررسی نشان می‌دهد. همسن بودن همسران و نداشتن اختلاف سنی، کمترین، و بیشترین اختلاف سنی شناسایی شده در طی تحقیق مربوط به عدد جالب توجه، ۴۴ سال می‌باشد. ۱۲۶ نفر از زنان (۴۹/۲ درصد) بین ۶ تا ۱۰ سال با همسران خود اختلاف سنی دارند که بیشترین طبقه را به خود اختصاص می‌دهد.

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تفاوت سنی با همسر

تعداد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زیر ۶ سال	۸۷	۳۴/۰	۳۴/۰
۶ تا ۱۰	۱۲۶	۴۹/۲	۸۳/۲
بالای ۱۰ سال	۴۳	۸/۱۶	۱۰۰/۰
جمع کل	۲۵۶	۱۰۰/۰	

میانگین: ۱۲/۵ سال حداقل: ۰ حداکثر: ۴۴ سال انحراف معیار: ۲/۰۵

مأخذ: یافته‌های مطالعه

آگاهی از رسانه‌های جمعی در تحقیق حاضر با استفاده از سه پرسش مطرح گردید: "میزان مطالعه نشریات، مانند روزنامه"، "میزان گوش دادن به رادیو" و "میزان نگاه کردن به تلویزیون". برنامه‌های مورد علاقه زنان نیز مورد بررسی قرار گرفت اما به دلیل علاقه‌مندی بالای ۹۵ درصد زنان به سریال‌های تلویزیون و برنامه‌های سرگرمی، از تجزیه و تحلیل حذف شد. بر این اساس اطلاعات موجود در جدول (۴) ۲۱۰ نفر معادل ۸۲ درصد از زنان هیچ‌گونه مطالعه‌ای (روزنامه یا مجله یا کتاب) نداشته و تنها ۱۸ درصد معادل با ۴۶ نفر، زیر یک ساعت در روز از منابع فوق بهره‌مند می‌شوند.

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان مطالعه روزانه روزنامه، مجله و کتاب

میزان مطالعه روزنامه، کتاب، مجله	فراوانی	درصد
اصلاً	۲۱۰	۸۲/۰
کمتر از یک ساعت در روز	۴۶	۱۸/۰
جمع کل	۲۵۶	۱۰۰/۰

مأخذ: یافته‌های مطالعه

بر اساس مندرجات جدول شماره (۵)، ۱۵۵ نفر از زنان (۶۰/۵ درصد) هیچ گاه از رادیو استفاده نمی‌کنند، ۹۶ نفر (۳۷/۵ درصد) زیر دو ساعت در روز و ۵ نفر (۲ درصد) بیشتر از دو ساعت در روز از برنامه‌های رادیو بهره‌مند می‌شوند.

جدول شماره (۵): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان گوش دادن به برنامه‌های رادیویی

گوش دادن به رادیو(میزان ساعت در روز)	فراوانی	درصد
اصلا	۱۵۵	۶۰/۵
دو ساعت و کمتر از آن	۹۶	۳۷/۵
بیش از دو ساعت	۵	۲/۰
جمع کل	۲۵۶	۱۰۰/۰

مأخذ: یافته‌های مطالعه

بر اساس مندرجات جدول (۶) تنها ۹ نفر از زنان (۳۰/۵ درصد) از برنامه‌های سیما استفاده نمی‌کنند، ۱۶۸ نفر (۶۵/۶ درصد) زیر دو ساعت در روز و ۷۹ نفر (۳۰/۹ درصد) بیشتر از دو ساعت در روز، زمان خود را به برنامه‌های تلویزیون اختصاص می‌دهند.

جدول شماره (۶): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اخذ آگاهی از برنامه‌های تلویزیون

استفاده از برنامه‌های تلویزیون	فراوانی	درصد
اصلا	۹	۳/۵
زیر دو ساعت در روز	۱۶۸	۶۵/۶
بیشتر از دو ساعت در روز	۷۹	۳۰/۹
جمع کل	۲۵۶	۱۰۰/۰

مأخذ: یافته‌های مطالعه

در مبحث وضعیت روانشناختی زنان، شاخص‌هایی چون اعتماد به نفس، خود اثر بخشی، درک زنان از میزان قدرت فردی و نگرش برابر جنسیتی نسبت به کار زنان، مورد بررسی قرار گرفت. اعتماد به نفس به معنای اطمینان افراد به توانایی‌ها و قدرت خویش در امور زندگی می‌باشد (Corsini, 1999). احساس خود اثر بخشی در متون روانشناسی به انتظارات فرد از خود در موفقیت در کاری یا رسیدن به نتیجه‌ای ارزشمند از طریق فعالیت‌های فردی است و بنابر این، فرایندی ذهنی است که شامل شناسایی هدف، برآورد تلاش و توانایی‌های لازم برای رسیدن به آن هدف و پیش بینی نتیجه آن می‌شود (Bandura, 1986). میزان توانایی زنان روستایی بر عوامل محیطی و رویدادهای زندگی مولفه روانی دیگری است که مورد سنجش قرار گرفت. احساس توانایی یعنی چیزی که فرد می‌خواهد بشود و این در صورتی است که بتواند به آن جامه عمل ببوشاند (Sen, 1985). باور داشتن به داشتن مشاغل درآمدزایی همانند مردان، اظهار نظر کردن در جمع مردان از جمله مواردی است که در مبحث نگرش‌های جنسیتی در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره (۷): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مولفه‌های روانشناختی

درصد	پایین	متوسط	بالا
اعتماد به نفس	۳۴/۸	۳۰/۹	۳۴/۴
خود اثر بخشی	۳۹/۸	۲۳/۸	۳۶/۳
احساس قدرت	۳۴	۲۹/۳	۳۶/۷

مأخذ: یافته‌های مطالعه

در جدول (۸) نگرش‌های سنتی در مورد کار زنان، سنجیده شده است. ۵۶/۳ درصد موافق این نظر بودند که زنان هم باید مانند مردان شغل درآمد زا داشته باشند و ۳۲/۴ درصد مخالف این نظریه بودند. به نظر ۵۲ درصد جامعه آماری، زنان روستایی در تامین درآمد خانواده نقش مهمی دارند و ۳۴ درصد باقی‌مانده مخالف این نظر بودند. بیشترین مخالفت زنان در مورد اظهار نظر مالی زن در جمع مردانه دیده می‌شود (۴۲/۶ درصد). بیشترین موافقت زنان در مورد این جمله می‌باشد که مردان بدون حضور زن قادر به مدیریت خانواده نیستند (۶۲/۹ درصد).

جدول شماره (۸): توزیع فراوانی افراد بر حسب نگرش جنسیتی به کار

ردیف	گویه‌ها	مخالفم %	نظری ندارم %	موافقم %
۱	در یک جمع مردانه، زن می‌تواند نظرات مالی خود را بیان کند.	۴۲/۶	۶/۶	۵۰/۸
۲	زنان روستایی در تامین درآمد خانواده نقش مهمی ایفا می‌کنند.	۳۴/۰	۱۴/۱	۵۲/۰
۳	زنان هم باید مانند مردان شغل درآمد زا داشته باشند.	۳۲/۴	۱۱/۳	۵۶/۳
۴	بدون زن، مرد قادر نیست خانواده را به تنهایی اداره کند.	۲۷/۳	۹/۸	۶۲/۹

مأخذ: یافته‌های مطالعه

در بررسی فعالیت‌های اقتصادی زنان مشخص شد ۸۰ درصد جامعه مورد مطالعه به فعالیت درآمدزای غیر کشاورزی مشغولند و نزدیک به ۲۰ درصد (۵۱ نفر) زنان نتوانسته و یا نخواسته‌اند که منبع درآمد غیر کشاورزی برای خود داشته باشند. طی مصاحبه‌ای نیمه ساختارمند در خصوص علل نداشتن درآمد ۵۰ نفر جامعه آماری، برخی اظهار نمودند از مهارت‌های اقتصادی بسیار پایینی برخوردارند، عده‌ای دیگر نداشتن امکانات مانند وسایل قالی بافی را علت، بیان کردند و عده‌ای نیز به موانع فرهنگی اشاره نمودند (کار زن از دید اجتماع پذیرفته نیست). در تحقیق حاضر مجموعاً ۱۵ نوع شغل زنان شناسایی شد که در جدول شماره (۳) معرفی شده‌اند.

جدول شماره (۹): نوع مشاغل زنان روستایی

نوع شغل	فراوانی (درصد)	نوع شغل	فراوانی (درصد)
بافندگی	۲۲/۳	عروسک سازی	۲/۰
لبنیات	۲۲/۳	لحاف دوزی	۲/۰
فروشی			

۱/۶	رشته بری	۱۰/۹	قالی بافی
۰/۸	لباس فروشی	۵/۱	آرایشگری
۰/۸	تخم مرغ فروشی	۳/۹	قالب بافی
۲/۰	عروسک سازی	۳/۱	خیاطی
۰/۴	معلم	۲/۳	شیره فروشی
۰/۴	ترشی و مربا فروشی	۲/۳	گرده پزی

مأخذ: یافته‌های مطالعه

در جدول شماره (۱۰) اطلاعات مربوط به مهارت‌های اقتصادی-تولیدی زنان گنجدیده شده است. فرآوری محصولات لبنی و باغی همراه با سبزیکاری به ترتیب سه مهارتی است که بیشتر زنان جامعه-ی آماری توانایی انجام آن را دارند و کمترین مهارت‌های اقتصادی شامل پرورش زنبور عسل، پرورش قارچ و کار با کامپیوتر می‌باشد. در مجموع مهارت‌های اقتصادی زنان، ۵۸/۲ درصد از مهارت‌های اقتصادی پایین، ۳۴/۴ درصد تا حدودی از مهارت‌های اقتصادی برخوردارند و تنها ۷/۰ درصد زنان از مهارت‌های اقتصادی بالایی برخوردارند.

جدول شماره (۱۰): مهارت‌های اقتصادی-تولیدی زنان

رتبه	ضریب تغییرات	بالا %	متوسط %	پایین %	گویه‌ها
۱	۰/۲۴	۶۹/۱	۱۹/۵	۱۱/۳	تبدیل محصولات دامی به فراورده‌ها(ماست، پنیر و مانند آن)
۲	۰/۲۶	۶۹/۱	۱۷/۶	۱۳/۳	تبدیل محصولات باغی به فراورده‌ها(رب و شیره و مانند آن)
۳	۰/۴۲	۳۴/۰	۲۱/۱	۴۴/۹	سبزیکاری
۴	۰/۴۷	۳۷/۹	۱۸/۴	۴۳/۸	بافندگی
۵	۰/۴۸	۱۷/۶	۲۱/۱	۶۱/۳	خیاطی
۶	۰/۴۹	۴۱/۴	۱۲/۹	۴۵/۷	پرورش گاو و گوساله
۷	۰/۵۱	۱۹/۹	۲۲/۳	۵۷/۸	باغداری
۸	۰/۵۱	۲۸/۱	۱۷/۲	۵۴/۷	پرورش گوسفند و بز
۹	۰/۵۶	۳۰/۵	۱۲/۵	۵۷/۰	پرورش دام
۱۰	۰/۵۷	۰/۸	۱/۶	۹۷/۷	کامپیوتر
۱۱	۰/۵۹	۱۰/۹	۱۲/۵	۷۶/۶	آرایشگری
۱۲	۰/۶۲	۹/۸	۱۲/۹	۷۷/۳	زراعت محصولات

۱۳	۰/۶۵	۲/۳	۳/۵	۹۴/۱	پرورش قارچ
۱۴	۰/۶۸	۲۶/۶	۹/۴	۶۴/۱	قالی بافی
۱۵	۰/۷۰	۶/۳	۶/۶	۸۷/۱	خرید مواد اولیه زراعت
۱۶	۰/۷۶	۵/۹	۶/۳	۸۷/۹	پرورش زنبور عسل
		۷/۰	۳۴/۴	۵۸/۶	جمع کل

مأخذ: یافته‌های مطالعه

میزان درآمد ماهیانه زنان روستایی از مشاغل غیر کشاورزی در جدول شماره ۵ درج شده است. مطابق این جدول نفر ۳۰/۷۳ درصد از زنان درآمدی کمتر از ۵۰۰۰۰ ریال در ماه دارند. ۲۵/۸۵ درصد بین ۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ ریال درآمد و ۴۳/۴۱ درصد بیشتر از ۲۰۰۰۰۰ ریال درآمد دارند.

جدول شماره (۱۱): میزان درآمد ماهیانه زنان روستایی

میزان درآمد (هزار ریال)	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۵۰	۶۳	۳۰/۷۳	۳۰/۷۳
۲۰ تا ۵۰	۵۳	۲۵/۸۵	۵۶/۵۸
۲۰ و بالاتر	۸۹	۴۳/۴۱	۱۰۰
جمع کل	۲۰۵	۱۰۰	

مأخذ: یافته‌های مطالعه

محتویات جدول (۱۲) نشان دهنده مبلغ پول پس انداز شده توسط زنان است. بیشترین مبلغ پس انداز ۵ میلیون تومان و کمترین آن نیز بدون پس انداز بوده است.

جدول شماره (۱۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان پس انداز

میزان پس انداز (هزار ریال)	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۵۰ و کمتر از آن	۹۳	۳۶/۳	۳۶/۳
۲۰ تا ۵۰	۲۲	۸/۶	۴۴/۹
بیشتر از ۲۰	۱۴۱	۵۵/۱	۱۰۰/۰
جمع کل	۲۵۶	۱۰۰/۰	

مأخذ: یافته‌های مطالعه

جدول شماره (۱۳) اطلاعات مربوط به میزان اختیارات اقتصادی زن در خانواده می‌باشد. بیشترین اختیارات زنان در حوزه اقتصاد خانواده مربوط به خرید و پوشاک روزمره، پرداخت هزینه‌های درمان و دارو و خرج تحصیل فرزندان می‌باشد. زنان جامعه مورد نظر اظهار داشته‌اند که کمترین دخالت اقتصادی آنان در امور مربوط به فروش محصولات (حتی محصولات تولیدی خود آنان)، خرید و فروش زمین و خانه می‌باشد.

جدول شماره (۱۳): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اختیارات اقتصادی زن

رتبه	ضریب تغییرات	متوسط %	پایین %	گویه‌ها
۱	۰/۳۲۵	۳۲/۸	۳۹/۵	خرید خوراک و پوشاک

روزمره					
۲	۰/۳۸۵	۱۵/۲	۵۲/۳	۳۲/۴	پرداخت هزینه‌های درمان و دارو
۳	۰/۵۱۱	۱۲/۹	۲۴/۲	۶۲/۹	پس انداز پول برای خانواده
۴	۰/۵۲۴	۱۲/۱	۳۷/۱	۵۰/۸	خرج تحصیل فرزندان
۵	۰/۶۱۲	۷/۰	۱۴/۸	۷۸/۱	وام گرفتن
۶	۰/۶۲۱	۲/۰	۲/۰	۹۶/۱	خرید و فروش زمین
۷	۰/۶۶۳	۲/۳	۵/۹	۹۱/۸	فروش محصولات زراعی
۸	۰/۶۹۸	۶/۶	۱۱/۷	۸۱/۶	فروش صنایع دستی مانند قالی
۹	۰/۷۱۹	۲/۷	۹/۴	۷۸/۹	خرید و فروش خانه
۱۰	۰/۷۴۱	۸/۲	۱۰/۲	۸۱/۶	فروش محصولات دامی
		۳/۵	۲۰/۷	۷۵/۸	جمع کل

مأخذ: یافته‌های مطالعه

جهت بررسی میزان سهم زنان در انجام امور اقتصادی مختلف، فعالیت‌های مختلف آنان در فعالیت‌های کشاورزی نظیر دام‌پروری (پرورش گاو و گوساله، پرورش گوسفند و بز، پرورش طیور، فروش محصولات) و زراعت و باغبانی (مراحل قبل از کاشت، کاشت، برداشت، و فروش محصولات)، سنجیده شده است. در این مطالعه انجام فعالیت‌های درآمدزای غیر کشاورزی توسط زنان روستایی، مانند تولید صنایع دستی (قالی، جاجیم، گلیم، خورجین و مانند آن) نیز مورد پرسشگری قرار گرفت. نتایج نشان داد که در امور مربوط به پرورش دام، زنان به طور متوسط روزانه ۲/۸ ساعت برای رسیدگی به دام (شامل چوپانی، شیر دوشی، غذا دادن، تمیز کردن آغل و تهیه فراورده‌های لبنی) زمان صرف می‌کنند. در امور زراعت و باغبانی زنان به طور متوسط ۳/۵ ساعت در روز صرف امور زراعی و باغی شامل آماده نمودن زمین، کاشت محصولات، داشت محصولات، رسیدگی به باغ، برداشت محصولات، جمع آوری محصول و خرمن کوبی و کار در مزرعه همراه با همسر می‌نمایند. در امور غیر زراعی و درآمد زا مانند تولید صنایع دستی زنان روزانه به طور متوسط ۲/۲ ساعت به این گونه فعالیت‌ها مشغولند.

جدول شماره (۱۴): میزان ساعات فعالیت‌های اقتصادی صرف شده توسط زنان روستایی

نوع فعالیت	میانگین ساعات صرف شده در طول روز	میانگین ساعات صرف شده در طول ماه
دام‌پروری	۲/۸	۸۴
زراعت و باغبانی	۳/۵	۱۰۵
صنایع دستی	۲/۲	۶۶

مأخذ: یافته‌های مطالعه

با جمع شاخص‌های فردی-اقتصادی زنان (سن، میزان درآمد شخصی از فعالیت‌های غیر کشاورزی، مدت تاهل، میزان مهارت اقتصادی، میزان اختیارات اقتصادی و سهم فعالیت‌های زنان در کشاورزی)، شاخص مشارکت اقتصادی زنان روستایی محاسبه می‌شود. با توجه به نتایج، مشخص شد، ۳۴/۸ درصد زنان از مشارکت پایین، ۳۸/۳ درصد از مشارکت متوسط و ۲۶/۲ درصد از سطح بالایی از مشارکت اقتصادی برخوردارند.

جدول شماره (۱۶): میزان مشارکت اقتصادی زنان

میزان مشارکت اقتصادی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بالا	۸۹	۳۴/۸	۳۴/۸
متوسط	۹۸	۳۸/۳	۷۳
پایین	۶۷	۲۶/۲	۱۰۰/۰
جمع کل	۲۵۶	۱۰۰/۰	

مأخذ: یافته‌های مطالعه

با توجه به برآورد الگوی لجیت، (جدول شماره ۱۷) متغیر میزان تحصیلات زنان با علامت مثبت در سطح یک درصد، معنی‌دار می‌باشد، به‌طوری‌که با افزایش یک درصدی در میزان تحصیلات زنان، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان،  $+۰/۳۷۱$  درصد افزایش خواهد یافت. نتایج مربوط به برآورد اثر نهایی نیز نشان می‌دهد که چنانچه تحصیلات همسر یک سال افزایش یابد، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان،  $+۰/۰۹۱$  واحد افزایش خواهد یافت.

میزان تحصیلات همسران هم اثر مثبتی در سطح پنج درصد در احتمال بهبود مشارکت اقتصادی بانوان داشته است. بطوری‌که با افزایش یک درصدی در میزان تحصیلات همسران، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان،  $+۰/۱۸۹$  درصد افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش هر سال به سالهای تحصیل همسران، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان،  $+۰/۰۵۴$  درصد افزایش می‌یابد.

متغیر تفاوت سنی با همسر نشان‌دهنده هرچند رابطه‌ی منفی با احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان داشته است اما این اثر در سطوح مناسبی معنی‌دار نبوده است.

شاخص اعتماد به نفس در بین زنان با بهبود مشارکت اقتصادی آنها رابطه مثبتی داشته است که این رابطه مثبت در سطح یک درصد معنی‌دار شده است. همچنین برآورد کشش مربوطه نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در میزان این شاخص، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان،  $+۰/۳۴۴$  درصد افزایش خواهد یافت. ضمن آن که با افزایش هر یک واحد به میزان این شاخص، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان،  $+۰/۰۸۸$  واحد افزایش می‌یابد.

با توجه به نتایج برآورد الگوی لجیت، احتمال افزایش مشارکت اقتصادی در بین زنانی که از سطح پس‌انداز بالاتری برخوردار بوده‌اند، بیشتر بوده است. بطوری‌که متغیر پس‌انداز در سطح معنی‌داری ده درصد، با احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان رابطه مثبتی داشته است. این نتایج

نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در میزان پس انداز زنان، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی آنها به میزان  $0/266$  درصد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش هر ده ریال به میزان این پس انداز، احتمال بهبود این شاخص  $0/0000322$  واحد افزایش خواهد یافت.

متغیر خوداثر بخشی بخوبی در سطح معنی‌داری یک درصد با احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان رابطه مثبتی داشته است. برآورد کشش در این زمینه نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در میزان شاخص خوداثربخشی زنان، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان،  $0/279$  درصد افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش هر واحد به میزان شاخص خوداثربخشی، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی آنها  $0/078$  واحد افزایش خواهد یافت.

میزان شاخص احساس قدرت نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان در سطح یک درصد داشته است. برآورد کشش در مورد آن نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در میزان این شاخص، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان  $0/251$  درصد افزایش خواهد یافت. همچنین افزایش یک واحدی به میزان این شاخص، منجر به افزایش  $0/066$  واحدی در احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان خواهد شد.

نگرش برابری جنسیتی، در سطح ده درصد معنی‌دار بوده و بیانگر رابطه مثبتی بین این شاخص و احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش یک درصدی این شاخص، احتمال بهبود مشارکت زنان به اندازه  $0/191$  درصد افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش هر واحد به میزان شاخص محاسبه شده، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی بین شده،  $0/059$  واحد افزایش خواهد یافت.

برآورد پارامتر مربوط به فاصله محل سکونت تا مراکز ترویج و خدمات بیان می‌نماید که با افزایش چنین فاصله‌ای رابطه‌ای منفی و معنی‌داری در سطح یک درصد با احتمال افزایش مشارکت اقتصادی زنان مشاهده خواهد شد. همانگونه که از آماره‌ی کشش مشخص است، افزایش یک-درصدی در میزان این فاصله، منجر به کاهش  $0/355$  درصدی در احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان خواهد شد. همچنین چنانچه یک کیلومتر مرکز ترویجی فاصله‌اش با منازل روستایی فاصله داشته باشد، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان به میزان  $0/089$  واحد کاهش خواهد یافت.

متغیر میزان دسترسی به خدمات ترویجی از طریق رسانه‌های جمعی، رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد با احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان داشته است. با افزایش یک درصدی در میزان استفاده از این رسانه‌ها، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی  $0/401$  درصد افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش هر ساعت بیشتر از این رسانه‌ها، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی  $0/097$  واحد افزایش خواهد یافت.



تعداد اعضای خانواده، رابطه‌ی منفی و معنی‌داری در سطح ۱۰ درصد با احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان داشته است. با افزایش یک درصدی در میزان بعد خانوار، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان به میزان ۰/۲۳۳ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین افزایش هر فرد به بعد خانوار، منجر به کاهش ۰/۰۷۷ درصدی در میزان مشارکت اقتصادی بانوان خواهد شد.

میزان درآمد نیز در سطح ده درصد اثرات معنی‌داری بر مشارکت اقتصادی زنان خواهد داشت. بطوریکه با افزایش یک درصد در میزان درآمد زنان، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی به میزان ۰/۲۳۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش ده ریالی در درآمد، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان، ۰/۰۰۰۴۳۱ واحد افزایش خواهد یافت.

آماره‌ی نسبت درستنمایی<sup>۱</sup> (LiR)، در این برآورد، بخوبی در سطح یک درصد معنی‌دار است، لذا متغیرهای توضیحی توانسته‌اند به خوبی متغیر وابسته را توصیف نمایند. ضریب تعیین مک‌فادن نیز برابر ۰/۵۱۰ شده است، بنابراین این آماره به همراه آماره‌های مادالا و استرلا بیانگر آن است که متغیرهای توضیحی مدل، تغییرات متغیر وابسته مدل را بخوبی توضیح داده‌اند. همچنین مطابق برآوردهای حاضر، درصد پیش‌بینی صحیح در این مدل برابر ۹۴/۵۵ درصد می‌باشد، لذا، حدوداً ۹۶ درصد پیش‌بینی‌ها در مورد احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان صحیح می‌باشد.

جدول شماره (۱۷): برآورد الگوی لجیت و تعیین عوامل مؤثر بر احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان

آماره اثر نهایی	کشش برآوردی	آماره‌ی آماره‌ی t	ضریب برآوردی	---بیر
۰/۰۹۱	۰/۳۷۱	۳/۳۶۰	۰/۴۷۱***	تحصیلات زنان
۰/۰۵۴	۰/۱۸۹	۲/۴۲۲	۰/۲۷۴**	تحصیلات همسر
-۰/۰۱۲	-۰/۰۸۹	-۰/۹۲۸	-۰/۱۰۳	تفاوت سنی با همسر
۰/۰۸۸	۰/۳۴۴	۲/۹۲۶	۰/۴۵۲***	اعتماد به نفس
۰/۰۰۰۰۰۳۲۲	۰/۲۶۶	۲/۳۲۲	۰/۰۰۰۰۰۴۶۶*	میزان پس انداز
۰/۰۷۸	۰/۲۷۹	۴/۲۷۱	۰/۴۴۳***	خوداثر بخشی
۰/۰۶۶	۰/۲۵۱	۳/۰۸۹	۰/۳۸۶***	احساس قدرت
۰/۰۵۹	۰/۱۹۱	۲/۰۵۳	۰/۳۰۷*	نگرش برابر جنسیتی
-۰/۰۸۹	-۰/۳۵۵	-۴/۴۴۱	-۰/۴۲۷***	فاصله محل سکونت تا مراکز خدمات
۰/۰۹۷	۰/۴۰۱	۲/۹۸۳	۰/۵۳۲***	میزان دسترسی به خدمات ترویجی از طریق
-۰/۰۷۷	-۰/۲۳۳	-۱/۸۴۲	-۰/۳۳۷*	تعداد افراد خانواده
۰/۰۰۰۴۳۱*	۰/۲۳۲	۱/۹۳۱	۰/۰۰۰۶۸۸*	میزان درآمد

-----	-----	۰/۱۶۴	۰/۳۲۱	ضریب ثابت
Likelihood Ratio Statistic (L.R. Statistic) = ۲۸۵/۶۶۰				
Probability (L.R Statistic) = ۰/۰۰۰				
Percentage of Right Prediction = ۹۴/۵۵				
Mcfadden $R^2$ = ۰/۵۱۰				
Maddala R-Square = ۰/۴۳۲				
Esterella R-Square = ۰/۵۶۶				

\*\*\*، \*\* و \* به ترتیب معنی داری در سطح یک، پنج و ده درصد

مأخذ: یافته‌های مطالعه

### پیشنهادات و سیاست‌گذاری:

با توجه به اهمیت مشارکت اقتصادی زنان بویژه در روستاها و نقش آنها در روند توسعه روستایی کشور، این مطالعه به بررسی این شاخص در بین زنان روستایی شهرستان همدان پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، چنانچه سطوح تحصیلی در بین زنان روستایی افزایش یابد، مشارکت اقتصادی آنها افزایش خواهد یافت. لذا، تشریح اهمیت تحصیلات دختران در بین خانواده‌های روستایی، توسعه‌ی نهضت سوادآموزی و ایجاد موسسات آموزش از راه دور برای زنانی که امکان کمتری برای تحصیل دارند، به منظور افزایش مشارکت اقتصادی زنان روستایی ضروری خواهد بود. براساس این نتایج، توسعه‌ی امکانات تحصیلی در بین مردان روستایی هم می‌تواند سیاست‌گذاری مناسبی در جهت رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده، تلقی گردد.

نتایج نشان داد که با افزایش شاخص اعتماد به نفس در بین زنان روستایی، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت. همچنین از آنجا که تنها ۱۶ درصد زنان روستایی دارای اعتماد به نفس بالایی بوده‌اند، لذا سیاست‌گذاری‌ها به منظور تقویت روحیه اعتماد به نفس در بین زنان بسیار اثر بخش و ضروری خواهد بود.

نتایج این مطالعه نشان داد که پس‌انداز در بین زنان روستایی بعنوان پشتوانه‌ای برای افزایش مشارکت اقتصادی آنها تلقی می‌شود. بنابراین تشویق زنان به پس‌انداز بیشتر راهکار مؤثری در جهت بهبود مشارکت اقتصادی زنان خواهد بود.

شاخص خود اثر بخشی در بین زنان اثر مثبت و معنی‌داری در بهبود مشارکت اقتصادی زنان داشته است. لذا، از آنجا که تنها ۱۵/۲ درصد از زنان دارای خود اثر بخشی بالایی هستند، بنابراین تقویت این شاخص به عنوان محرکی در بهبود مشارکت اقتصادی زنان، اثر بخش خواهد بود. شاخص احساس قدرت نیز در بین زنان رابطه‌ی مستقیمی با بهبود مشارکت اقتصادی زنان داشته است. لذا،

بنابراین تقویت این شاخص نیز در کنار خوداثربخشی، محرکی در بهبود مشارکت اقتصادی زنان، خواهد بود.

همانگونه که از نتایج مشخص شد، شاخص نگرش برابر جنسیتی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با احتمال بهبود مشارکت اقتصادی زنان داشته است. لذا، چنانچه آموزش‌های لازم به زنان به نحوی ارائه گردد که این گروه، فعالیت خود را در سطحی پایین‌تر از گروه مردان نبینند، آنگاه مشارکت اقتصادی زنان تقویت خواهد شد.

نتایج این مطالعه نشان داد که فاصله محل سکونت تا مراکز ترویجی، هرچه بیشتر باشد، عامل بازدارنده‌ای در بهبود مشارکت اقتصادی زنان روستایی خواهد بود. بنابراین، افزایش مراکز خدمات ترویجی در فواصل مشخص، بطوریکه کل منطقه را پوشش دهند، راهکار مؤثری در بهبود مشارکت اقتصادی زنان خواهد بود.

با افزایش تعداد افراد خانوار، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی بانوان کاهش خواهد یافت. بنابراین برنامه‌های مشاوره‌ای جهت کنترل جمعیت بویژه برای زنان روستایی، نقش مهمی در افزایش احتمال مشارکت این گروه خواهد داشت. در نهایت چنانچه زنان دارای درآمد بیشتری باشند، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی در بین آنان افزایش خواهد یافت. لذا شفاف‌تر شدن وضعیت درآمدی زنان روستایی، و تقویت این درآمدها می‌تواند مشوقی برای مشارکت اقتصادی هرچه بیشتر زنان روستایی باشد.

#### منابع

امینی، امیرظفر؛ احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۶). اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار-میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تاثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آن‌ها. مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۱.

پاسبان، فاطمه (۱۳۸۵) عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی ایران (۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳). اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۳.

تودارو، مایکل (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم، ترجمه غلامرضا فرجادی، چاپ دهم انتشارات روشنگران، تهران.

حیدری، غلامرضا؛ جهان‌نما، فهیمه (۱۳۸۲). توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی-روستایی. پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶.

خانی، فضیله (۱۳۷۵)، جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی (مطالعه موردی: استان گیلان)، با راهنمایی دکتر عباس سعیدی برای اخذ درجه دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس،

خواجه نوری، بیژن (۱۳۷۶)، «بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر بیگانگی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)»، رساله کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شیراز.  
رسول پور عربی، حسین (۱۳۷۶)، بررسی نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر، با راهنمایی دکتر عبدالحمید کرباسی رشته جامعه شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

زراءنژاد، منصور؛ منتظر حجت، امیرحسین (۱۳۸۴). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره هفدهم.

سرمدی، فریده، مال میر، پوران، ساریخانی، ناهید. (۱۳۷۷). زنان روستایی و اشتغالزایی آنان، وزارت کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و بودجه، موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی. شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان، پژوهش زنان، پاییز، سال سوم، شماره ۷ شهبازی، اسماعیل، (۱۳۸۱). روستازادگان دانشمندان. موسسه فرهنگی هنری شقایق روستا، نوبت اول.

شهریاری، ام البنین (۱۳۸۷). بررسی راههای توانمندسازی زنان روستایی شهرستان سیستان و بلوچستان و تاثیر آن بر کارآفرینی، پایان نامه کارشناسی ارشد صفری شالی، رضا (۱۳۸۷). عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی. پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱.

علی بیگی، امیرحسین؛ زرافشانی، کیومرث و سعیده اولائی (۱۳۸۶) تحلیل جنسیتی فعالیت های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه هایی برای عاملان توسعه روستایی مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲.

علی محمدی، نرگس (۱۳۸۶) جایگاه فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی در اقتصاد روستا و راهکارهای توسعه آن (مطالعه موردی: منطقه برآن- شهرستان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی

عمادی، محمد حسین (۱۳۸۰). نقش زنان روستایی در توسعه، نشریه جهاد، سال ششم شماره ۲۳۶-۲۳۷

غفاری، رامین (۱۳۸۵)، جایگاه و نقش زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری در فرایند توسعه پایدار، پایان نامه دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا.

غنیان، منصور؛ خانی، فضیله و مجتبی قدیری معصوم (۱۳۸۷). نقش زنان روستایی در بهره برداری، حفاظت و احیاء عرصه های طبیعی بیابانی (مطالعه موردی استان خوزستان). پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱.

فرضی زاده میاندھی، زهرا (۱۳۸۷). بررسی نقش زنان روستایی در فرایند تولید محصولات کشاورزی (مطالعه موردی شهرستان میاندو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).

گریشمن، رومن (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

لهسایی زاده، عبدالعلی، جهانگیری، جهانگیر و خواجه نوری (۱۳۸۴)، بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس). جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳.

محمدی، مهدی (۱۳۸۲). توانایی های زنان در اقتصاد تولیدی عشایر، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶. مقنی زاده، محمد حسین (۱۳۸۰) سازمان های غیر دولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمان های غیر دولتی در عرصه فعالیت های ملی و بین-المللی تهران. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

هادیان، ابراهیم؛ سحرخیز، عباس (۱۳۸۵)، تعیین سهم اقتصادی زنان روستایی در فعالیت های مربوط به امور دام. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۲۱ شماره ۲. هاشمی، علی (۱۳۸۰). اشتغال زنان هزینه های آن از دیدگاه بنگاه اقتصادی، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۴.

Bandura, A (1986) social foundation of thought and action; Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall

Bell, M., Bauer, D., Jarnagin, S., Peter, G., (2004). Farming for Us All: Practical Agriculture and the Cultivation of Sustainability. Penn State University Press, University Park, PA.

Brown, S.D., Lent, R.W. & Larkin, K.C (1989) self-efficacy as a moderator of scholastic aptitude-academic performance relationship; journal of vocational behavior, 35 (1): 64-73

Chambers, R, (2005). Ideas for Development. Earthscan, London.

Corsini, R.J (1999) The Dictionary of Psychology . Psychology Press ISBN 158391028X. Online via Google Book Search.

Ellis, Fand Biggs, S (2001) evolving themes in rural development 1950s-2000s. development policy review, 19(4).

FAO (2007) Laub R., Najros E. Sustainable Agriculture and Rural Development Policy Brief FAO Publications, Policy Brief series available at: www.FAO.com/ Recent Releases.

FAO (2006) Improving gender equity in access to land. Land Tenure Notes. Rome.

Jones, G.E., Garforth, C (1997) The history, development and future of agricultural extension. In: Swanson, B.E., Bentz, R.P., Sofranko, A.J. (Eds.), Improving Agricultural Extension: a Reference Manual. FAO, Rome.

Judge, G. Hill, R. Griffiths, W. Lukepohl, H. and Lee, T (1988) The Theory and Practice of Econometrics. 2<sup>nd</sup> edition, Wiley, New York.

- Liepins, R., Schick, R., (1998). Gender and education: towards a framework for a critical analysis of agricultural training. *Sociologia Ruralis* 38, 286–302.
- Lockie, S., (2006). Networks of agri-environmental action: temporality, spatiality and identity in agricultural environments. *Sociologia Ruralis* 46, 22–39.
- Maddala, G. S, (1991) Introduction to Econometrics. 2<sup>nd</sup> edition, Macmillan, New York. USA.
- Oakley, Peter, et al (1991) *Projects with People; The Practice of Participation in Rural Development*. 284pp, ISBN:9221072827, ILO
- Rivera, W., Corning, S., (1990). Empowering women through agricultural extension: a global perspective. *Journal of Extension* 28 (4).
- Roling, N., DeJong, F., (1998). Learning: Shifting Paradigms in Education and Extension Studies. *Journal of Agricultural Education and Extension* 5 (3), 143–161.
- Roling, N., Jiggins, J., (1998). The ecological knowledge system. In: Roling, N., Wagemakers, M. (Eds.), *Participatory Learning and Adaptive Management in Time of Environmental Uncertainty*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Sen A.K (1985) *Commodities and capabilities*, Amsterdam, North Holland.
- Steven,v.O&Robin,D.F.,(1998). development of college academic self-efficacy scale;paper presented at NCME.
- Trauger.A, Sachs.C, Barbercheck,M. Kiernan.N. E, Brasier.K ,Findeis.J, (2008)  
.Agricultural education: Gender identity and knowledge exchange *Journal of Rural Studies* 24 432–439
- UNFPA (2005), *State of world population. Gender Equality Fact Sheet*.
- World Bank (2005). *Empowerment in Practice From Analysis to Implementation.*” Ruth A., Mette F., Bertelsen J., Holland16031-IN. South Asia Environment and Social Unit, World Bank, Washington, DC.
- World Bank (2007). *Process Monitoring in Andhra Pradesh: An Award-Winning Innovation in Project Supervision*. Agricultural and Rural Development Notes 22, Washington, DC, June.
- World Bank (2003).*A User’s Guide to Poverty and Social Impact Analysis*.

**Investigating Impacts of extension strategies and Psychological–Economic Factors on Rural Women’s Economic Participation: A Case Study in Hamedan district**

**Homa Soroushmehr<sup>1</sup> Hamed Rafiee<sup>2</sup>**

**Abstract:**

**In all societies, rural women play important roles for achieving development goals and in fact, they constitute half of labor force in development path of rural area. In this study, Logit quality function was employed to investigate psychological–economic factors' impacts on economic participation of rural women. Needed data has been gathered using surveying method in 2009 with Cochran formula along with proportional stratified random sampling method. Also, variables including women’s level of education, husband level of education, self-confidence, amount of savings, self-efficiency, feeling of power, gender attitude, and access to extension services have positive and significant relationship with their economic participation. Access to extension services has most elasticity and equal to 0.401. That is, if this variable increases one percent, probability of improving economic participation increases by 0.401 percentages. Also, according to marginal effect, by increasing one hour in access to extension services, economic participation increases by 0.097 units. Other variables’ impacts are investigated accordingly. Finally, based on the results some extension strategies are provided for improvement of women’s economic participation.**

**Key Word: Extension strategies, Psychology–Economic Factors, Economic Participation, Rural Women, Hamedan.**

---

1 . M. S student of Rural Development Department, University College of Agricultural Economics and Development, University of Tehran.

2 . Ph.D Student of Agricultural Economics, University College of Agricultural Economics, University of Tehran